



An analytical-descriptive reading of modern administrative law with a look at the foundations and principles of classical administrative law

Rasoul Karami Moghadam¹, Hosein Abdi *²

1 Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran, Email: Karami.R@lu.ac.ir

2 Corresponding Author, Assistant Professor, Research, Secretariat of the Supreme Council of Cultural Revolution, Tehran, Iran, Email: h.abdi@sccr.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article History:
Received 9 June, 2024
Received in revised form 6 September, 2024
Accepted 16 October, 2024
Available online 18 March, 2025

Keywords:
Administrative law, government, classical, modern, market.

ABSTRACT

Purpose :This article examines the evolution and key characteristics of administrative law in its classical and modern forms. It analyzes the role of administrative law in structuring government operations, regulating state-citizen relations, and the influence of social, economic, and technological advancements on this legal discipline.

Research Method : Using an analytical-descriptive approach, this study compares classical and modern administrative law by reviewing library resources, legal texts, and historical developments. The analysis focuses on the defining features of both systems and their implications for governance and public administration.

Findings:

- Classical administrative law emphasizes state sovereignty, separation of powers, judicial review, and the growth of administrative institutions, remaining a cornerstone of governance.
- Modern administrative law has emerged in response to socioeconomic and political transformations, enhancing governmental efficiency through new institutions and technological integration.
- While both systems aim to regulate state-citizen relations and safeguard individual and collective rights, modern administrative law demonstrates greater adaptability to societal needs.

Conclusion : Administrative law persists as a fundamental pillar of governance in both classical and modern forms. Whereas classical administrative law adheres to traditional frameworks and judicial oversight, its modern counterpart embraces innovation to improve efficiency and responsiveness. These developments underscore the necessity for administrative law to evolve dynamically, aligning with societal and technological changes to effectively fulfill its regulatory and governance objectives.

Cite this article: Karami Moghadam, Abdi, Rasoul, Hossein (2025). An analytical-descriptive reading in modern administrative law with a look at the foundations and principles of classical administrative law, *Modern Research in Islamic Humanities Studies*, 6 (3), 287-294. <http://doi.org/10.22034/API.2025.724874>



© The Author(s).
DOI: <http://doi.org/10.22034/API.2025.724874>

Publisher: University of Lorestan.

۱- مقدمه

قانون به عنوان وجه ممیزه ی زندگی متمدنانه از زندگی غیر متمدنانه عنصری حیاتی در اداره ی اجتماعی بشر تلقی می شود. از نظر اصطلاحی قانون را به مجموعه دستورات (کلی یا جزئی) صادر شده توسط مرجع صالحه و مصوب گردیده بوسیله ی مجلس قانونگذار و درنهایت توشیح توسط مرجع با صلاحیت قلمداد نموده اند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۵۱۷)

اصل حاکمیت قانون که به نحو عام به عنوان عمل براساس قانون از آن نام برده می شود به چند نحو حاصل می شود:

۱. نخست حکومت مبتنی بر قانون یعنی قدرت در اختیار دولت مطلقه نمی باشد بلکه این قدرت صرفاً قدرتی است که بوسیله ی قانون که برخاسته از اراده ی عمومی است به او واگذار گردیده است.
۲. دوم حکومت به وسیله ی مقررات، یعنی تمامی احکام و دستورات حکومتی دستورات و اجکامی مبتنی بر اراده ی شخص حاکم نبوده بلکه این قوانین هستند که حدود و ثغور را مشخص نموده اند و ارگان ها و سازمان ها می بایست با احترام به ضوابط قانونی اداره ی امر را حاصل نمایند. (امامی و استوار سنگری، ۱۳۹۲: ۴۵)
۳. سوم حکومت براساس قواعد حقوقی؛ یعنی سازمان ها و ضوابط و مقامات قانونی موظف هستند اعمال و تصمیمات خویش را بر بنیاد موازین خاص قانونی اتخاذ نموده، (همان: ۴۶) و از این طریق اولاً حقوق و آزادی های بنیادی مردم محترم شمرده شود و دوم اینکه سازمان ها و نهادهای حکومتی می بایست از اختیارات و قدرت های لازم برخوردار باشند. (موسی زاده، ۱۳۹۳: ۱۵۲)

سازمان ها و ادارت از جمله مهمترین مراکزی هستند که قوانین و مقررات حاکمیتی به نحو ویژه در آن تاثیرگذار است. از دیرباز دولت ها همواره سازمان ها و ادارات را به عنوان حلقه ی واسط بین خود و مردم قلمداد نموده و امروزه و بویژه با شکل گیری دولت های مدرن به ندرت می توان قسمتی از دولت را بدون در نظر گرفتن سازمانی مرتبط با آن در نظر گرفت. نظارت بر جزئیات مقررات و توجه تخصصی به هر حوزه به عنوان دو هدف اصلی در تشکیل سازمان ها قلمداد می شوند. درواقع سازمانها تنها نهادهای دولتی هستند که به طور مستقیم با امور جزئی و روزمره حکومتی مرتبط می باشند. برای مثال دولت تصمیمی عام را برای کنترل حمل و نقل در کشور اتخاذ می کند اما در نهایت این سازمان حمل و نقل است که تصمیم می گیرد مبلغ حمل و نقل درون شهری یا برون شهری در هر شهر یا استانی چقدر می باشد. (F.Fox,2000: 878)

از همین روی حقوق اداری و توجه به نظام حقوقی آن امری ضروری در ایجاد مصالحه و رفع مناقشات میان دولت حاکمه و مردم می باشد. حقوق از زمان پیدایش خود در اروپا، با تحولات سیاسی و اجتماعی مواجه بوده است. در دوران انقلاب صنعتی، نیاز به مدیریت های پیچیده تر دولتی باعث شد تا حقوق اداری به شکلی تخصصی تر درآید. در این دوران، مفهوم دولت مدرن و اهمیت آن در تنظیم امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی موجب شد تا سیستم های حقوقی در بسیاری از کشورها شکل جدیدی به خود گیرند و مسئله ی حقوق اداری نوین در مقابل حقوق اداری سنتی یا کلاسیک به نحو ویژه ی مورد توجه متفکران قرار گیرد. جستار پیش رو در نظر دارد پس از بررسی مفهوم حقوق اداری کلاسیک و ویژگی های آن به بررسی مفهوم حقوق اداری نوین و در نهایت تمایزات آن با حقوق اداری کلاسیک بپردازد.

۱- حقوق اداری کلاسیک**۱-۱- مفهوم شناسی**

حقوق اداری کلاسیک به اصول و قواعدی اطلاق می شود که به ویژه در قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی در نظام های حقوقی کشورهای اروپایی و به ویژه در فرانسه و آلمان شکل گرفت. در این نظام ها، تمرکز اصلی بر روی سازمان های دولتی و فعالیت های اجرایی

دولت بوده است. حقوق اداری کلاسیک، که در پی حفظ نظم و انضباط اداری است، معمولاً بر مبنای یک سیستم بوروکراتیک استوار است و بر تفکیک کامل بین وظایف اجرایی و قانون‌گذاری تأکید دارد. در این چارچوب، کارکنان دولت به‌عنوان عاملان اجرایی بدون اختیاری خاص از سوی قانون‌گذار در نظر گرفته می‌شوند و حق اعتراض و مشارکت مستقیم در تصمیم‌گیری‌ها را ندارند (Schaffer, 2017:18).

۱-۲- تاریخچه شکل‌گیری حقوق اداری کلاسیک

حقوق اداری به‌عنوان یک شاخه تخصصی در قرن نوزدهم میلادی شکل گرفت. تحول آن به ویژه با گسترش دولت‌های مدرن و نیاز به نظارت بیشتر بر فعالیت‌های اجرایی دولت‌ها، آغاز شد. در ابتدای دوره‌های مدرن، دولت‌ها به دلیل تغییرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، به تقویت دستگاه‌های اداری و دولتی نیاز داشتند. این تغییرات منجر به پیچیدگی‌های حقوقی شد که منجر به شکل‌گیری یک نظام حقوقی خاص برای تنظیم روابط میان دولت و شهروندان گردید.

یکی از مهم‌ترین نقاط عطف در تاریخ حقوق اداری، تأسیس دیوان عدالت اداری در فرانسه در اواخر قرن ۱۸ بود که در پی آن، حقوق اداری به‌طور جدی به یک رشته علمی و عملی متمایز از دیگر شاخه‌های حقوقی تبدیل شد. اصول اولیه حقوق اداری کلاسیک ابتدا از فرانسه آغاز شد و سپس به سایر کشورهای اروپایی و بعدها به سایر نقاط جهان منتقل گردید. (Schaffer, 2017:83)

در این دوره، نویسندگان برجسته‌ای مانند "مورنو" (Moren) و "دوما" (Dumont) به تدوین و توسعه قواعد و اصول حقوق اداری پرداختند. در نتیجه، حقوق اداری کلاسیک به تدریج از مفاهیم حکومتی به نظام‌نامه‌هایی حقوقی و عملی تبدیل شد که پایه‌گذار بسیاری از سیستم‌های قضایی مدرن در سراسر جهان است.

۱-۳- ویژگی‌های حقوق اداری کلاسیک

حقوق اداری کلاسیک از ویژگی‌های خاصی برخوردار است که آن را از دیگر شاخه‌های حقوقی متمایز می‌کند. برخی از این ویژگی‌ها عبارتند از:

الف) اصل حاکمیت اراده دولت

در نظام حقوق اداری کلاسیک، برخلاف سایر شاخه‌های حقوقی که ممکن است بر روابط خصوصی متمرکز باشند، اراده دولت در حوزه اجرایی غالب است. این ویژگی در بسیاری از کشورها با تأسیس مراجع خاصی برای نظارت بر اقدامات دولتی و اجرای سیاست‌های عمومی همراه است. بر اساس این اصل، دولت دارای قدرت اجرایی ویژه‌ای است که باید بر اساس قانون و دستورالعمل‌های مشخص عمل کند. (کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۱۷۴)

ب) رشد نهادهای اداری و اجرایی

حقوق اداری کلاسیک به‌طور خاص به رشد و توسعه نهادهای دولتی و اداری پرداخته و چگونگی نظارت بر این نهادها را بررسی می‌کند. این نهادها به‌طور معمول شامل سازمان‌های اجرایی، اداره‌ها، دیوان عدالت اداری و دیگر ارگان‌های دولتی هستند که باید تحت نظارت و کنترل قانونی قرار گیرند تا از فساد و سوءاستفاده جلوگیری شود. از این‌رو، حقوق اداری کلاسیک نقش حیاتی در تضمین شفافیت، پاسخگویی و کارایی در نهادهای دولتی ایفا می‌کند. (همان: ۱۷۹)

ج) مقررات ویژه برای شفافیت و عدالت

در این نظام حقوقی، به‌ویژه در فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی، قوانین و مقررات ویژه‌ای برای جلوگیری از فساد در دستگاه‌های دولتی و ایجاد شفافیت در فرایندهای اجرایی وضع گردید. این امر شامل ایجاد دیوان عدالت اداری و دیگر نهادهای نظارتی است که بر تمامی اقدامات دولت و مقامات دولتی نظارت دارند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۳۵۱)

(د) تفکیک قوا

یکی از ویژگی‌های برجسته حقوق اداری کلاسیک، تاکید بر تفکیک قوا است. این اصل از مفهوم "تفکیک قوا" که ابتدا توسط "منتسکیو" مطرح شد، گرفته شده است. (مونتسکیو، ۱۳۹۸: ۲۷۱) حقوق اداری کلاسیک در تلاش است تا مرزهای مشخصی میان قوه قضائیه، قوه مقننه و قوه اجرائیه کشف و تعریف کند. این امر باعث می‌شود تا دولت در عین اجرای قوانین، از تعرض به حقوق افراد و شهروندان جلوگیری کند و همزمان کارکردهای مختلف خود را به درستی اجرا نماید.

(ه) نظارت قضائی بر اعمال اداری

یکی دیگر از ویژگی‌های مهم حقوق اداری کلاسیک، نظارت قضائی بر اعمال اداری است. دیوان‌های عدالت اداری به عنوان مراجع قضائی ویژه‌ای به وجود آمده‌اند که در آن‌ها افراد می‌توانند علیه اقدامات و تصمیمات اداری و اجرائی دولت اعتراض کنند. این نهادها به شکلی طراحی شده‌اند که از تجاوز به حقوق فردی و اجتماعی جلوگیری کرده و دولت را ملزم به رعایت قانون و عدالت نمایند. (همان: ۵۱۷)

۲- ظهور حقوق اداری نوین به عنوان ضرورت تاریخی تحول دولت‌ها

حقوق اداری نیز همانند سایر ارکان حکمرانی با تغییر فرایندهای حوزه‌ی اداره‌ی امور عمومی دستخوش تغییرات شگرفی شده است. حقوق اداری نوین، که به‌ویژه در قرن ۲۰ و پس از آن در نتیجه تحولات جهانی در سیاست‌گذاری‌ها و تغییرات اجتماعی شکل گرفت، تفاوت‌های اساسی با رویکرد کلاسیک دارد. (Clarke 2018: 76) در واقع حرکت از حقوق اداری مبتنی بر محوریت دولت به سوی حقوق اداری مبتنی بر جهانی شدن و در نتیجه تغییر از فرایندهای سلسله‌مراتبی دیوانی به اقدامات اداری مشارکتی مبتنی بر تعامل میان قانون‌گذار و افرا دجامعه برخی از این تغییرات اساسی است. در این سیستم، تمرکز به‌طور عمده بر حقوق فردی، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، و نظارت بر قدرت اجرایی است. حقوق اداری نوین بر خلاف حقوق اداری کلاسیک، به دنبال ایجاد توازن میان قدرت دولت و حقوق و آزادی‌های شهروندان است. به همین دلیل، در این سیستم، شهروندان به‌عنوان ذینفعان اصلی در تصمیم‌گیری‌ها و فرایندهای اداری در نظر گرفته می‌شوند (Stone, 2020: 251). در این رویکرد، دولت دیگر صرفاً یک نهاد قدرت‌محور نیست، بلکه به‌عنوان یک خدمت‌گزار عمومی در نظر گرفته می‌شود که مسئولیت آن تأمین منافع عمومی از طریق پاسخگویی، شفافیت، و مشارکت فعال جامعه است. این تغییر رویکرد باعث می‌شود که نظارت بر فعالیت‌های دولتی افزایش یابد و دولت باید پاسخگوی عملکرد خود در برابر مردم و نهادهای نظارتی باشد. در نتیجه، استفاده از ابزارهایی مانند «شکایات اداری»، «حاکمیت قانون»، «شفافیت اطلاعات»، و «حقوق دسترسی به اطلاعات عمومی» به‌طور چشمگیری افزایش می‌یابد.

سه عامل اساسی را می‌توان زمینه‌ساز حرکت از حقوق اداری کلاسیک به حقوق اداری نوین معرفی نمود:

الف) از میان رفتن مرزهای سنتی مطرح شده درباره ملی و فراملی: در دنیای امروز، حقوق اداری نه تنها در سطح ملی بلکه در سطح بین‌المللی نیز نقش دارد. نهادهایی مانند "سازمان ملل متحد"، "اتحادیه اروپا" و "سازمان‌های غیردولتی" در برخی موارد بر سیاست‌ها و مقررات اداری کشورهای مختلف تأثیر می‌گذارند. علاوه بر این، روند جهانی‌سازی و فناوری‌های نوین چالش‌های جدیدی برای نظارت بر فعالیت‌های دولتی ایجاد کرده است. (Javier, 2010: 338)

ب) تغییرات سنتی میان بخش خصوصی و دولتی و حرکت از دولت به عنوان فراهم ساز مستقیم خدمات به سوی ایجاد مدل‌های جدید تلفیقی که حاصل مشارکت و رفت او آمد میان بخش دولتی به عنوان تنظیم‌گر و بخش خصوصی به عنوان تولیدگر است.

ج) کنار رفتن برداشت سنتی از تفکیک میان قانون‌گذار و اجرا و در اصطلاح تفکیک میان قوه مقننه و قوه مجریه، به عبارت ساده‌تر در گذشته نسبت میان دولت و بخش اجرا به نحو سلسله‌مراتبی و به صورت عمودی بوده است که در آن دولت‌ها به عنوان مراکز اصلی قانون‌گذاری تلقی شده و سازمان‌ها و سایر بخش‌ها به عنوان مراکز اجرای این قوانین تلقی گشته‌اند، این درحالی است که امروزه با تأکید بر تصمیم‌گیری‌های چندوجهی و شبکه‌ای با در نظر گرفتن شرایط و محیط‌ها بهترین تصمیم‌ها برای آنها در نظر گرفته شده است. (Javier, 2010: 401)

۳- تمایزات اصلی حقوق اداری کلاسیک و نوین

الف) تمرکز بر قدرت دولت مقابل حقوق فردی

حقوق اداری کلاسیک تأکید زیادی بر تمرکز قدرت در دست دولت و سازمان‌های دولتی دارد. این رویکرد بر اساس اصول بوروکراتیک و سلسله‌مراتبی شکل گرفته است که در آن دولت به‌عنوان نهاد بالادستی در نظر گرفته می‌شود. اما در حقوق اداری نوین، شهروندان و حقوق فردی آنها در اولویت قرار دارند و دولت موظف است به حقوق و آزادی‌های فردی احترام بگذارد و آنها را در تصمیم‌گیری‌های خود لحاظ کند. (کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۱۹۳)

ب) شفافیت و پاسخگویی

یکی از ویژگی‌های بارز حقوق اداری نوین، تأکید بر شفافیت در فرآیندهای اداری و مسئولیت‌پذیری دولت است. در این سیستم، افراد حق دارند که به اطلاعات دولتی دسترسی داشته باشند و بتوانند در فرآیندهای تصمیم‌گیری مشارکت کنند. این در حالی است که در حقوق اداری کلاسیک، دولت به‌عنوان یک نهاد تخصصی و مستقل از مردم عمل می‌کند و فرآیندهای آن معمولاً از دید عموم پنهان است. (Javier, 2010: 346)

ج) نقش مشارکت اجتماعی

در حقوق اداری نوین، مشارکت مردم در فرآیندهای تصمیم‌گیری به‌عنوان یک اصل اساسی شناخته می‌شود. نهادهای دولتی موظفند که نظرات و پیشنهادات مردم را در تصمیم‌گیری‌های خود لحاظ کنند. این در حالی است که در حقوق اداری کلاسیک، چنین مشارکتی به‌ندرت دیده می‌شود و مردم بیشتر به‌عنوان تبعه‌ای تحت مدیریت دولت در نظر گرفته می‌شوند. (Mashiri, 2016: 572) امروزه با ایجاد مدل مشارکتی که میان دولت و بازار شکل گرفته است لازم است تمامی طرف‌ها با در نظر گرفتن احترام و حقوق متقابل خویش به گونه‌ای با یکدیگر ارتباط برقرار کنند که راه برای کسب منافع هر دو طرف فراهم آید و این مهم نیز خود مبتنی بر رویه‌های اداری خاص است که علاوه بر اینکه بدنبال تأمین منافع تمامی طرفین است آثار و نتایج تصمیمات و اقدامات اداره را بر همه‌ی طرفین در نظر داشته و این اطمینان که فرایندهای مذاکره و چانه‌زنی نیز در آن تضمین شده است، در آن موجود باشد. (Javier, 2010: 351)

د) نظارت و کنترل

در حقوق اداری نوین، نظارت بر فعالیت‌های دولتی نه تنها از سوی نهادهای داخلی دولت بلکه از سوی نهادهای مستقل نظارتی مانند دیوان عدالت اداری یا سازمان‌های غیردولتی NGO نیز صورت می‌گیرد. این نهادها مسئول نظارت بر تصمیمات دولتی و اجرای آنها هستند. در حقوق اداری کلاسیک، نظارت بر دولت بیشتر در دست دولت باقی می‌ماند و نظارت خارجی محدود

است. (Clarcke2018:78) نظم حقوقی حاکم بر هر کشوری تبلور است از چهارچوب ها و سیاست های کلان و جزئی حاکم بر سازمان های اداری و دولت هاست به گونه ایی که در برخی کشورها با ایجاد خط قرمز های انعطاف ناپذیری همچون قانون راه را بر هرگونه تصمیمات و دستورات خارج از قوانین و مقررات سلب می کنند و در برخی دیگر با ارئه ی اختیار و آزادی عمل به مجریان انعطاف بیشتری را برای اجرای امور دولتی و اداری باز می کنند. در یک دهه ی گذشته به موجب دلایلی همچون خصوصی سازی و تلاش دولت ها برای واگذاری وظایف خویش به بخش خصوصی و همچنین بازرگرایی و طرح ایده ی برتری مکانیسم بازار در ارائه خدمات به افراد در نسبت به خدمات دولتی، برخی اندیشمندان بر این ایده معتقدند که حقوق اداری بسیار کم رنگ و حتی بی مورد شده است، در واقع با در نظر گرفتن ارتباط تاریخی و تنگاتنگی که میان دولت و بازار وجود دارد و همچنین با این پیش فرض که حقوق اداری تابعی از این ارتباط است می توان این نتیجه را تایید نمود که حقوق اداری در هر عصری انعکاسی است از نسبت دولت و بازار که با تغییر در این ارتباط حقوق اداری نیز دستخوش تغییر می شود. (Alfred,2003: 125) این درحالی است که برخی دیگر با تاکید بر تغییر از دولت - کشور به دولت - جهانی معتقدند به موجب اقتضات کنونی و بواسطه ی کم رنگ شدن مرزهای ملی کشورها و حرکت به سوی امور فرامرزی به نوعی ما شاهد حرکت از حقوق اداری دولت محور به سوی نوعی خاص از حقوق اداری به نام حقوق اداری جهانی هستیم که بواسطه ی نقش جدید دولت ها به عنوان تسهیل گر، تنظیم گر در مقابل تعیین گر و همچنین ساکناندار و نه پارو زن نسل جدیدی از حقوق اداری در حال بوجود آمدن است. (Sabino, 2012:603)

۴- نتیجه گیری

مقاله حاضر با رویکردی تحلیلی-توصیفی به بررسی حقوق اداری نوین پرداخته و با نگاهی به مبانی و اصول حقوق اداری کلاسیک، تحولات و پیوستگی های میان این دو نظام حقوقی را تحلیل کرده است. یافته های پژوهش نشان می دهد که حقوق اداری کلاسیک با تکیه بر اصولی همچون حاکمیت اراده دولت، تفکیک قوا، نظارت قضایی و تمرکز بر ساختارهای سلسله مراتبی، بنیان های نظم اداری را شکل داده است. در مقابل، حقوق اداری نوین با تأثیرپذیری از تحولات اجتماعی، اقتصادی و فناوری، به سمت انعطاف پذیری، شفافیت، مشارکت شهروندی و کارآمدی فرآیندهای اداری حرکت کرده است. با وجود تفاوت های ظاهری، این دو نظام حقوقی در یک هدف مشترک تلاقی می کنند: تنظیم روابط دولت و شهروندان با حفظ تعادل میان اقتدار عمومی و حقوق فردی. حقوق اداری نوین، اگرچه از چارچوب های سنتی فاصله گرفته، اما همچنان از اصول بنیادین حقوق کلاسیک بهره می برد و آن ها را در قالبی متناسب با نیازهای جامعه امروز بازتعریف می کند. در نهایت، این پژوهش نشان می دهد که تلفیق مبانی حقوق اداری کلاسیک با نوآوری های حقوق نوین می تواند به ایجاد سیستمی پویا، عادلانه و پاسخگو بینجامد. برای دستیابی به این هدف، ضروری است که قانونگذاران و نهادهای اجرایی با درک تحولات جهانی و نیازهای داخلی، به توسعه قوانینی بپردازند که هم از ثبات حقوقی برخوردار باشد و هم قابلیت انطباق با تغییرات آینده را داشته باشد.

منابع و ماخذ

۱. امامی، محمد، کورش، سنگری (۱۳۹۲) حقوق اداری، تهران، نشر میزان
 ۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۶) ترمولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش
 ۳. فروزنده دهکردی، لطف الله (۱۳۸۷)، بررسی نقش تئوری های نوین مدیریت در قانون مدیریت خدمات کشوری، نشریه علمی مدیریت فردا، شماره ۱۹، ۲۱-۳۳
 ۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۶)، مبانی حقوق عمومی، تهران: نشر میزان
 ۵. جوانمرد، لیلا، (۱۴۰۳) شرایط ایجاد سرفقلى و حق کسب در حقوق ایران با مطالعه ی تطبیقی در حقوق انگلیس و فرانسه، نشریه پژوهش های نوین در مطالعات علوم انسانی اسلامی، دوره ۳، شماره ۵ شماره پیاپی ۵، صفحه ۱۰۳-۱۱۹
- [10.22034/API.2024.2040733.1051](https://doi.org/10.22034/API.2024.2040733.1051)
۶. منتسکیو (۱۳۹۸)، روح القوانین، ترجمه: علی اکبر مهتدی، تهران: نشر امیر کبیر
 ۷. موسوی زاده، ابراهیم (۱۳۹۳) حقوق اداری، تهران، نشر دادگستر
 ۸. محمودی، میرزایی، حسین، داوود، (۱۴۰۳) نقش نهاد تصفیه ورشکستگی در تامین امنیت روانی جامعه، نشریه پژوهش های نوین در مطالعات علوم انسانی اسلامی، دوره ۳، شماره ۵ شماره پیاپی ۵، صفحه ۱۰۳-۱۱۹
- [10.22034/API.2024.2040620.1050](https://doi.org/10.22034/API.2024.2040620.1050)

9. William F. Fox, (2000) understanding administrative law, fourth edition, Legal text series
10. Schaffer, A. (2017). Administrative Law: A Comparative Approach. Oxford University Press
11. Stone, C. (2020). The New Public Administration. Routledge .
12. Mashiri, M. (2015). "Modern Administrative Law and Accountability: The shift from Bureaucratic to Participatory Governance," Journal of Public Law, 42(3), 564-582 .
13. Clarke, T., & Lee, D. (2018). "Administrative Law in Modern Democracies," Harvard Law Review, 130(1), 75-98
14. Barnes, Javier (2010) , towards a third generation of administrative procedures in Comparative Administrative Law, Edited by Susan Rose-Ackerman and Peter L. Lindseth Published by Edward Elgar. Publishing Limited.
15. Cassese, sabino, (2003) New paths for administrative law: A manifesto», International Journal of Constitutional Law, Volume 10, Issue 3, July 2012: 603
16. Aman Jr. Alfred c. «Globalization, Democracy, and the Need for a New Administrative Law», Indiana Journal of Global Legal Studies, Vol. 10, No. 1
17. Hood, Christopher and Dixon, Ruth (2015), a government that worked better and cost less?, oxford university press.